

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

بدين يوم وبر زنده يك تن مبار
چو کشور نباشد تن من مبار
از آن به که کشور به دشمن دهيم
همه سر به سر تن به کشتني دهيم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ابسي - فرهنگي

استاد محمد نسيم «اسير»
شهر کابل - جدی ۴۳۴ اش

توبه از عشق

از خاطرات گذشته

که سر کشید ازان آفتاب طلعت تو
که جا گرفت دران نونهال قامت تو
که شعله خاست ازان قد چون قیامت تو
که سوخت جان من از آتش محبت تو
ولی چه سود ، ندیدم وفا و الفت تو
چنین محبت تو بود و این عنایت تو
ندیده ام بجز از درد و رنج و محنت تو
بران سرم که به هر جا کنم حکایت تو
چنین خلاصه کنم شکوه و شکایت تو

به آسمان خیالم نه عشق بود و اميد
به گلشن دل من خار، خار عشق نبود
بهشت زندگيم را نبود دوزخ غم
تو جلوه گر شدی از مشرق تمنایم
بصد فریب دلم ر «اسیر» خود کردی
به خاک تیره نشاندی مرا و بگشتنی
خدای را که تورسم وفا نمی دانی
زبسکه دیده ام از تو خلاف وعده ، کنون
به این طریق دگر توبه ها کنم از عشق

«دگر مبار نصیبم که نام عشق برم»

«بس است آچه کشیدم من از محبت تو»